

بررسی حضور و قدرت زنان در محیط اجتماعی مردان

کرامت‌اله راسخ*

ندا سعیدی**

چکیده

هدف این پژوهش بررسی جامعه‌شناختی حضور زنان در محیط کاری مردان بود. این تحقیق از نوع کمی و روش تحقیق پیمایشی بود. نمونه‌گیری با استفاده از شیوه تصادفی خوشه‌ای در چند مرحله انجام شد. داده‌های پژوهش با ابزار پرسشنامه محقق ساخته و از یک نمونه ۲۰۰ نفری از زنان شهرستان جیرفت جمع‌آوری شد. برای بدست آوردن نتایج پژوهش و ارتباط بین متغیرها از تحلیل واریانس و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. به منظور بررسی فرایند جامعه‌پذیری زنان در محیط‌های اجتماعی مردانه و تأثیر آن‌ها بر این محیط از نظریهٔ برابری جنسیتی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد، که بین متغیر احساس تعلق اجتماعی، امید به پیشرفت، گرایش به کجروی، سطح تحصیلات، فرهنگ و تربیت خانوادگی زنان و مشارکت اجتماعی آن‌ها در محیط مردانه ارتباط معنی‌دار وجود دارد، در حالی که ارتباط معناداری بین نوع شغل زنان و مشارکت اجتماعی آن‌ها مشاهده نشد. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان از ارتقاء محیط کاری ناشی از حضور زنان دارد.

کلید واژگان: مشارکت اجتماعی، احساس تعلق، امید به پیشرفت، عدالت

* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جهرم، استادیار گروه جامعه‌شناسی، جهرم، ایران. (نویسنده

مسئول: com.yahoo@k_Rasekh)

** دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جهرم، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، جهرم، ایران.

یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعه هر کشور وضعیت زنان و نوع مشارکت آنان در محیط مردان می‌باشد، زیرا توسعه تنها در ارتباط با تولید ناخالص ملی و سطح درآمد سرانه سنجیده نمی‌شود، بلکه عواملی مانند وضع سیاسی، اجتماعی و مشارکت همگانی افراد، به خصوص زنان، نیز بر این فرایند مؤثر است (گاردنر^۴، ترجمه محمدی، ۱۳۸۶). بنابراین، نحوه برخورد و رفتار جامعه با زنان از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی و اجتماعی در یک کشور است. همین نحوه برخورد است که شرایط را برای حضور فعال و مشارکت مؤثر زنان فراهم و سبب می‌شود تا زمینه برای مشارکت بیشتر زنان و بهره‌گیری جدی‌تر از قدرت، تفکر، ابداع و خلاقیت آن‌ها فراهم شود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰). تحقیقات انجام شده در این زمینه بر این واقعیت دلالت دارد که حضور زنان سبب تقویت همکاری میان افراد، شکل‌گیری فضای صلح طلبانه، رقابت سالم، کاهش کجروی و افزایش میل به پیشرفت و احساس تعلق به جامعه می‌شود. به نظر می‌آید عوامل دیگری مانند سن، تحصیلات، درآمد، ایمان و مذهب افراد نیز بر محیط کار تأثیرگذار باشد (ریتزر^۵ ترجمه آزاد ارمکی، ۱۳۷۴) تحقیقات مشابه نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر مشارکت جدی‌تر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی از انگیزه‌های گوناگونی برخوردارند که مهم‌ترین آن‌ها انگیزه اقتصادی با هدف بهبود وضع خانواده، حفظ استقلال فردی، احساس امنیت، گسترش روابط اجتماعی می‌باشد (روزن باوم^۶ ترجمه مهدوی، ۱۳۷۶). به عبارت دیگر در سال‌های اخیر با تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وضع زنان در بازار کار نیز تغییر کرده است. انتظار می‌رود با ادامه این روند در آینده میزان ورود زنان به بازار کار و افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف خصوصاً در عرصه اجتماعی افزایش یافته و تفاوت میان زنان و مردان در این حوزه به نفع زنان تغییر پیدا کند.

لیکن هنوز تا رسیدن به وضع مطلوب در این زمینه فاصله است. موانع و محدودیت فرهنگی، اجتماعی و عرفی موجود، عدم توانایی اقتصاد برای ایجاد فرصت‌هایی شغلی کافی و مناسب برای زنان و سرانجام تفاوت‌های قابل توجه حقوق و مزایای زنان در مقایسه با مردان سبب تضعیف انگیزه زنان برای کار بیرون از منزل گردیده است. اگرچه هستند کسانی که معتقدند فعالیت اقتصادی زنان سبب بیکاری مردان می‌شود که تأمین‌کننده اصلی مخارج خانوارها هستند، لیکن بسیاری از جوامع به رغم وجود چنین افکاری در صدد یافتن راه کارهای مناسب

4. Gartner

5. Ritzer

6. Rozenbaum

جهت رفع این تبعیض در محیط کاری علیه زنان هستند... این در حالی است که ایجاد بسترهای مناسب جهت افزایش میزان مشارکت زنان به معنای کاهش مشارکت مردان نیست، زیرا هدف هر جامعه تأمین رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن حقوق نسل‌های آینده می‌باشد که این امر با افزایش میزان مشارکت زنان بهبود می‌یابد. آنچه مسلم است مشارکت بیشتر زنان سبب رشد تولید درآمد سرانه، بهبود توزیع درآمد و کاهش نرخ باروری می‌شود، و به این ترتیب زمینه برای بهبود رفاه اجتماعی فراهم می‌شود (ریترز ترجمه آزاد ارمکی، ۱۳۷۴).

این تحقیق با این هدف انجام می‌شود تا با بررسی حضور زنان در محیط‌های مردانه از طریق سنجش تاثیر متغیرهای امید به پیشرفت، گرایش به کج روی، سطح تحصیلات، تربیت خانوادگی، احساس تعلق و نوع شغل زنان بر متغیر مشارکت اجتماعی زنان چگونگی فعالیت اقتصادی و اجتماعی زنان بررسی و موانع موجود در این مسیر بیشتر شناخته شود.

ضرورت و اهمیت موضوع

بررسی حضور زنان در محیط‌های مردانه به دلایل زیر ضروری و از اهمیت خاصی برخوردار است. اولاً زنان از جایگاه ویژه‌ای در حیات اجتماعی جامعه برخوردار هستند. ثانیاً در جوامع سنتی مانند ایران اهمیت این موضوع هنوز از جوامع صنعتی نیز بیشتر است، چراکه موانع اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی و به تبع آن اقتصادی در مسیر حضور زنان در فضای عمومی زندگی در ایران بیشتر از کشورهای صنعتی پیشرفته است. زنان از طرفی به دلایل گوناگون، از جمله انقلاب اطلاعاتی، هر چه بیشتر در معرض فعالیت‌های گوناگون در محیط‌های مردانه قرار می‌گیرند. نتیجه این تحولات تغییر جایگاه زن در خانواده و افزایش مشارکت زنان در تمام حوزه‌های زندگی اجتماعی است. بررسی حضور زنان در محیط‌های مردانه در ایران حتی در مقایسه با دیگر کشورهای جهان سوم و حتی اسلامی از ضرورت و اهمیت خاص برخوردار است. حاکمیت اسلام در ایران سبب شده است تا زنان ایرانی نه فقط ملزم به رعایت ضوابط عرفی برای حضور در محیط‌های مردانه باشند، بلکه حضور زنان در محیط‌های مردانه باید با رعایت حدود شرعی همراه باشد. این در حالی است که مشارکت زنان در ایران در فرایندهای آموزشی و شغلی نه فقط در مقایسه با بسیاری از کشورهای اسلامی بسیار بالا و گسترده است، بلکه حتی مشارکت و فعالیت آموزشی و عمومی زنان ایرانی در میان کشورهای غیرمسلمان جهان سوم کم نظیر است. بنابراین، بررسی این موضوع در ایران با توجه به تعارض بالا از اهمیت چندانی برخوردار است و مسئولان سیاسی و اداری کشور همواره در جستجوی راه‌کارهایی عملی برای پاسخ به این بگرنج اجتماعی بوده‌اند.

پیشینه تحقیق

با توجه به هدف تحقیق که بررسی حضور زنان در محیط‌های مردانه و مشارکت اجتماعی آنان و همچنین بررسی متغیرهایی از قبیل احساسهای مختلف اجتماعی و امید به پیشرفت و گرایش کجروی، سطح تحصیلات و تربیت خانوادگی زنان و نوع شغل بر مشارکت اجتماعی بود، لذا تحقیقات انجام شده در این فرضیه پرداخته می‌شود؛ ابونوری و غلامی (۱۳۸۸) در تحقیقی به این نتایج رسید که صنایع «مواد غذایی و آشامیدنی» و «تولید منسوجات»، نسبت به سایر صنایع، دارای بیشترین تعداد کارکنان زن بوده‌اند؛ بیشترین رشد نسبی شاغلان زن در صنعت انتشار، چاپ، و تکثیر رسانه‌های ضبط شده صورت گرفته است؛ کارگران ماهر، دارای بیشترین سهم، و مهندسان و تکنسین‌ها دارای کمترین سهم در صنایع کشورند؛ شاغلان زن در قسمت غیرتولیدی، بیشترین سهم، و شاغلان زن تکنسین و مهندس کمترین سهم (اغلب کم‌تر از ۱۰ درصد) اشتغال زنان را در بیش‌تر صنایع ایران به خود اختصاص داده‌اند. به علاوه سهم بنگاه‌هایی که مدیریت خصوصی دارند در اشتغال زنان بررسی و مشخص شد که اشتغال زنان در بنگاه‌هایی با مدیریت خصوصی بیش‌تر است. این مطالعه نشان داد که در بنگاه‌های که با فناوری کاربر اداره می‌شوند، نسبت اشتغال زنان به طوری معنادار بیش‌تر است.

عنایت (۱۳۶۷) در پایان‌نامه خود در باره تأثیر اشتغال زنان بر روابط خانوادگی در شهر شیراز به این نتیجه رسیده است که اشتغال زنان منجر به تغییراتی در روابط خانوادگی می‌شود، اشتغال زن در خارج از خانه همراه با دیگر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی زن و شوهر موجب شده است تا روابط خانوادگی از قالب سنتی خود بیرون آید. مثلاً بالا رفتن تحصیلات زن و مرد، تشریک مساعی، هماهنگی و تفاهم آن‌ها را در زندگی خانوادگی افزایش می‌دهد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، ساخت قدرت در خانواده نیز تحت تأثیر این عوامل دگرگون می‌شود و با بالا رفتن میزان سواد زن و اشتغال او در خارج از خانه، سهم او در تصمیم‌گیری‌های مهم افزایش می‌یابد.

همچنین تحقیق احمدی و گروسی (۱۳۸۳) نیز دلالت بر وجود نابرابری جنسیتی به گونه‌ای محسوس در شهر کرمان دارد. مهم‌ترین عوامل موثر بر نابرابری جنسیتی در خانواده در این تحقیق به قرار زیر است: سطح تحصیلات مرد و زن، سن زن و مرد، محل سکونت، تعداد اعضای خانواده، جامعه‌پذیری جنسیتی، ایفای نقش جنسیتی، ایدئولوژی جنسیتی و عقاید قالبی جنسیتی.

جلیوند (۱۳۷۵)، هم در تحلیل نگرش زنان روی عوامل عینی در سطح خرد تأکید کرده‌اند. جلیوند نگرش دختران و مادران را به ارزش‌های اجتماعی از جمله ارزش تحصیل و اشتغال متفاوت می‌داند و دختران را در مقایسه با مادران دارای گرایش مثبت‌تری نسبت به تحصیل، کار و تعامل بین دختر و پسر یافته است.

نیکجو (۱۳۷۹)، نیز نگرش دختران نسبت به نقش اجتماعی خود را تابع پایگاه اجتماعی والدین به ویژه پدر و تأثیر پدر بر روی دختر می‌داند که ناشی از فضای پدر سالاری حاکم بر خانواده است.

شهریاری (۱۳۷۷)، هم نگرش مردان به اشتغال زنان را تابع پایگاه اجتماعی آنان می‌داند، به طوریکه با ارتقاء پایگاه اجتماعی آنان نگرش مردان نسبت به اشتغال زنان مثبت‌تر می‌شود. لقمانیان (۱۳۷۷)، هم ضمن توجه به اثرات نگرش مردان نسبت به زنان، نگرش خود زنان را هم مؤثر می‌داند. او معتقد است که برخی از زنان بر اساس پنداشتی که از خود و برداشتی که از مردان دارند سعی می‌کنند بر اساس انتظارات مردان عمل نمایند و بدین ترتیب خود در باز تولید نابرابری‌های جنبشی مؤثر واقع می‌شوند.

اتحادیه (۱۳۷۸) هم ضمن طرح نابرابری‌های جنسیتی به عنوان اصلی‌ترین مسأله زنان در تحلیل آن به ساختار جامع مرد سالار، حقوق و قوانین، باورها و غیره اشاره کرده است. او برای مقابله با مسأله نابرابری‌های اصلاح قوانین، ایجاد فرصت‌های اشتغال و بسط آموزش و مهارت‌ها در بین زنان را لازم می‌داند.

شادی‌طلب (۱۳۷۵) هم در بررسی دیدگاه مردان نسبت به کار زنان چنین نتیجه گرفته است که علیرغم مشارکت فعال و مولد زنان در خانه، مزرعه و صنایع دستی، مردان برای کار و فعالیت آنان ارزش قابل توجهی قائل نیستند. بنابراین، مردان باید به کار و فعالیت زنان بهای بیشتری بدهند.

بهنود (۱۳۸۲) هم در بررسی نوع روابط بین همسران در محیط خانواده (دموکراتیک - غیر دموکراتیک) دریافته است که ۲۰ درصد روابط بین زنان و مردان قیم‌مابانه، ۱۱ درصد دموکراتیک و ۶۹ درصد بینابین است. وی جهت‌گیری جنسیتی (تبعیض آمیز_ برابری طلب) و جهت‌گیری دینی (بنیادگرایی_ سکولار) و پایگاه اجتماعی (تحصیل و شغل) را در نوع تعاملات بین زنان و مردان در خانواده و به تبع آن شیوه مشارکت در جامعه را مؤثر دانسته و لذا اصلاح این نوع جهت‌گیری‌ها را در جهت ارتقاء تعاملات غیر جنسیتی و مشارکت‌های مدنی زنان ضروری می‌داند.

سفیری و جعفرنژاد (۱۳۸۲) هم در بررسی وضعیت شغلی زنان در بخش غیردولتی گزارش داده است که بر اساس سرشماری ۱۳۷۵، زنان فقط ۱۲ درصد کل شاغلان کشور را تشکیل می‌دهند. بخش عمده شاغلان کشور یعنی ۶۷ درصد آنان در بخش غیر دولتی فعالیت دارند. او وضعیت زنان را در این بخش تابع ویژگی‌های خود زنان از لحاظ سن و تحصیلات در سطح خرد و عواملی چون نوع مدیریت و ارتباطات درون سازمانی می‌داند.

بوگاله و همکاران^۷ (۲۰۱۱) در پژوهشی زیر عنوان «قدرت تصمیم‌گیری زنان متأهل در استفاده از ابزار پیشگیری از حاملگی در مراکز شهری و روستایی در جنوب اتیوپی» به نتایج زیر می‌رسند. زنان ساکن در مناطق شهری بیشتر از هموعان روستایی خود با راه‌های پیشگیری جدید آشنا هستند. اطلاع از روش‌های جدید پیشگیری از حاملگی، خودداری از روابط جنسی در مواقع لازم، مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها در باره تربیت کودکان از عوامل مهم هستند که سبب می‌شوند تا زنان ساکن شهرها در تصمیم‌گیری از قدرت بیشتری برخوردار باشند. ترس از مخالف همسر، ترس از رها شدن از طرف او، ضمن مشارکت در تصمیم‌گیری در باره کار کودکان از جمله عواملی هستند که بر قدرت زنان در مناطق روستایی تأثیر می‌گذارد.

گیماهه و همکاران^۸ (۲۰۱۱) با استفاده از داده‌های سرشماری و پیمایش بهداشتی که بین سال‌ها ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ در کشور غنا جمع‌آوری شده است، پژوهشی زیر عنوان «دین، و روش‌های پیشگیری انتخاب شده توسط زنان متأهل در غنا» انجام دادند و به نتایج زیر رسیدند. هدف تحقیق بررسی قدرت زنان در مقاومت در برابر باورهای دینی برای ممانعت از پیشگیری از حاملگی بود. پرسش اصلی تحقیق این بود که آیا ریشه موانع نسبت داده شده به دین را می‌توان در عوامل دیگر جست‌وجو کرد. یافته‌های تحقیق نشان داد که اگرچه تفاوت معناداری در باره نگرش در استفاده از ابزار پیشگیری در میان زنان وابسته به مذاهب مختلف دیده نمی‌شود، لیکن بیشتر زنان غیرمسیحی وابسته به مذاهب دیگر (مسلمانان و مذاهب سنتی) از ابزار پیشگیری استفاده نمی‌کنند.

کیپتوت و فرازل^۹ (۲۰۱۲) پژوهشی تحت عنوان «جنسیت و زارعت جنگلی در افریقا: بررسی مشارکت زنان» انجام داده‌اند. هدف تحقیق بررسی زارعت جنگلی از دیدگاه زنان بود. در این تحقیق میزان مشارکت زنان در مقایسه با مردان و چالش‌هایی که زنان در جریان کار با مردان با آن روبه‌رو هستند بررسی شد. نتایج مطالعه نشان داد که زنان در استفاده از روش زارعت جنگلی از مزایای بیشتری در مقایسه با مردان برخوردار هستند و زارعت جنگلی می‌تواند در قدرت زنان در خانواده و پایان دادن به سلطه مردان تأثیرگذار باشد، زیرا زارعت جنگلی سبب مشارکت زنان در کارهایی می‌شود که قبلاً صرفاً وظایف مردان تلقی می‌شد (جمع‌آوری چوب، مشارکت در معیشت خانواده و غیره). به علاوه، با زارعت جنگلی نقش زنان در تأمین معیشت خانواده نیز بیشتر می‌شود، چراکه آن‌ها می‌توانند در چارچوب این نوع زارعت در تولید میوه‌های سنتی مشارکت کنند که خانواده به آن‌ها نیاز دارد. مقاله

7. Bogale & et al

8. Gyimah & et al

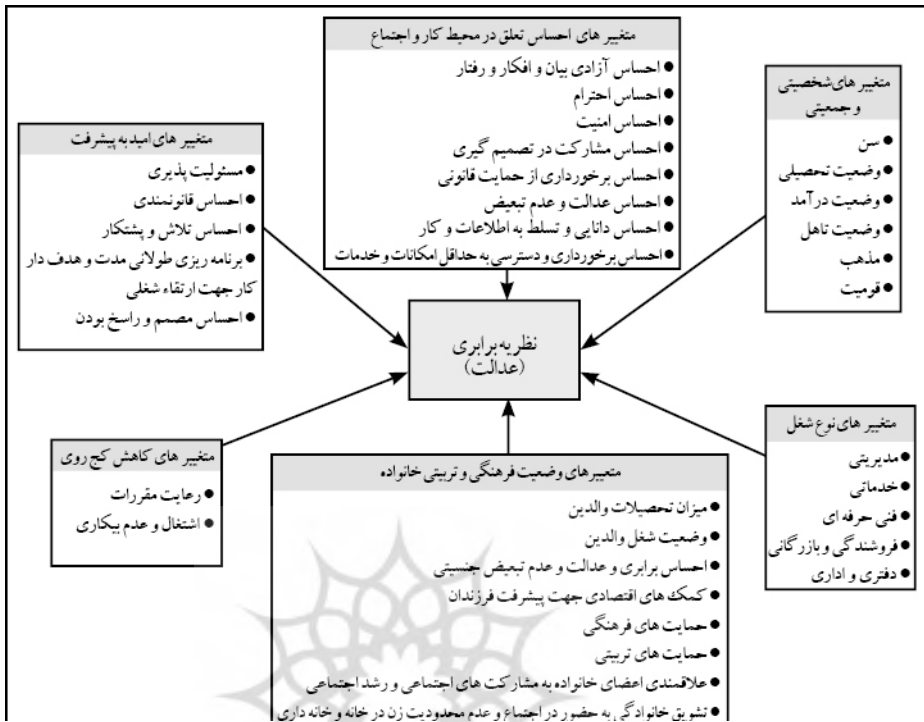
9. Kiptot & Franzel

پیشنهادهایی را نیز برای ارتقاء وضعیت زنان و افزایش قدرت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها پیشنهاد می‌کند: فراهم کردن زمینه آموزش زنان؛ کمک به زنان در بازاریابی و فروش محصولات که آن‌ها در چارچوب این طرح تولید می‌کنند؛ ارتقاء آگاهی و اطلاعات زنان و فراهم کردن امکان دسترسی آن‌ها به مراکز مشاوره.

مقدم^{۱۰} (۲۰۱۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «جنسیت، سیاست و توانمندسازی زنان» به بررسی منابع در باره جنسیت، زنان و سیاست و همچنین ماهیت جنسیتی فرایند سیاسی و مشارکت زنان می‌پردازد. مقدم به این نتیجه می‌رسد که سازوکار جنسیتی در خانواده، محل کار و جامعه سبب شده است تا زنان همواره در حاشیه فرایندهای سیاسی قرار گیرند. مقدم معتقد است که زنان باید از سهم خود در انتخابات برای تقویت مشارکت زنان در امور سیاسی در سطح منطقه ای و ملی استفاده کنند. به همین دلیل باید درصدد راهبردهایی برای توانمندسازی سیاسی زنان بود. جنبش‌های زنان و سازمان‌های مدنی نقش تعیین‌کننده‌ای در این فرایند دارد.

چارچوب نظری و مدل تحقیق

چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش نظریه برابری (عدالت) می‌باشد. این نظریه از مهمترین سیاست‌های اعمال شده در ارتباط با توسعه اجتماعی زنان می‌باشد. دلیل انتخاب این نظریه به عنوان چارچوب نظری این پژوهش این است که تاکید این نظریه معطوف به تساوی بین زن و مرد نه تنها در چارچوب خانواده بلکه در روابط کاری نیز می‌باشد. منطق اساسی در پشت این نظریه و کلی دانستن مفهوم (عدالت) با توسعه تقسیم دو باره منابع و منافع با هدف افزایش سهم زنان از هر طبقه اجتماعی_اقتصادی را به یک ضرورت تبدیل می‌کند، حتی اگر لازمه تحقیق این فرایند اتخاذ سیاست‌های مثبت تبعیض باشد زیرا تساوی بیشتر با رشد اقتصادی بیشتر همراه خواهد بود. براساس این تئوری، زنان شرکت‌کنندگان فعال در فرایند توسعه‌اند و با ایفای نقش‌های تولیدی و پرورش نیروی انسانی نقش بسیار مهم و اغلب ناشناخته ای در اقتصاد کشور دارند. موفقیت نظریه برابری در این است که احتیاجات استراتژیک امروزه زنان را از طریق قانونی برآورده می‌سازد. بر اساس این نظریه جامعه باید پیش از این از شخصیت و آموزش‌های زنان استفاده کند. از مزایا و نکات قابل توجه در این نظریه که سبب موفقیت آن شده است، اثبات افزایش امید به پیشرفت در زنان، ایجاد احساس تعلق به محیط کار و اجتماع، کاهش کج روی و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌باشد که همگی آن‌ها می‌توانند در برخی شرایط کاری و اجتماعی متاثر از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن، سطح تحصیلات، فرهنگ خانواده‌گی، وضعیت سکونت) نیز باشند (شادی طلب، ۱۳۷۴: ۱۴۸-۱۴۷).



روش تحقیق

در این پژوهش ادارات جبرفت به منزله خوشه در نظر گرفته شد و از این خوشه‌ها نمونه مورد نظر (۲۰۰ نفر) با شاخص تعداد زنان شاغل در این ادارات تعیین شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. پرسشنامه تحت نظارت متخصص آمار برای متغیرهای وابسته و مستقل ساخته شد. پس از گردآوری پرسشنامه و کدگذاری آن‌ها، داده‌ها تحلیل شدند. به منظور آزمون فرضیات با توجه به نوع متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون تحلیل واریانس و ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. برای تعیین روایی و پایایی ابزار تحقیق از تحلیل عاملی و اعتبار صوری استفاده و نتایج زیر به دست آمد.

همچنان که داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد برای تمام متغیرهای مورد سنجش، مقدار آلفای کرونباخ حدود ۰/۷ شده است که گویای این واقعیت می‌باشد که سوالات پرسشنامه از انسجام درونی مناسبی برخوردار هستند.

جدول ۱. نتایج آزمون آلفای کرونباخ

سازه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
احساس تعلق اجتماعی	۱۷	۰/۶۸۶
تربیت خانوادگی	۱۱	۰/۶۹۸
امید به پیشرفت	۱۰	۰/۶۵۳
گرایش به کجروی	۱۳	۰/۷۲۱

یافته‌های پژوهش

بر اساس هدف پژوهش پنج فرضیه تدوین شد که نتایج آن‌ها به شرح زیر است:
فرضیه اول: بین مشارکت اجتماعی زنان در محیط مردان و افزایش احساس تعلق اجتماعی در میان آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۲. رابطه میان مشارکت اجتماعی و احساس تعلق

مشارکت اجتماعی	احساس تعلق	
۱	۰/۰۳۰۴	ضریب همبستگی پیرسون مشارکت
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معنادار
۰/۰۳۰۴	۱	ضریب همبستگی پیرسون احساس تعلق
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معنادار

طبق جدول فوق بین مشارکت اجتماعی زنان در محیط مردان و احساس تعلق اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید شد.

جدول ۳. رابطه میان مشارکت اجتماعی و امید به پیشرفت در زنان

مشارکت اجتماعی	امید به پیشرفت	
۱	۰/۱۹۴	ضریب همبستگی پیرسون مشارکت
۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	سطح معنادار
۰/۱۹۴	۱	ضریب همبستگی امید پیشرفت
۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	سطح معنادار

فرضیه دوم: بین مشارکت اجتماعی زنان در محیط مردان و افزایش امید به پیشرفت در زنان ارتباط وجود دارد.

طبق جدول فوق مشارکت اجتماعی زنان در محیط مردان باعث افزایش امید به پیشرفت در زنان خواهد بود. لذا فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: بین مشارکت اجتماعی زنان در محیط مردان و کاهش کجروی در زنان رابطه وجود دارد.

جدول ۴. رابطه میان مشارکت اجتماعی و کاهش کجروی

مشارکت اجتماعی	کجروی	
۱	۰/۲۰۸	ضریب همبستگی پیرسون مشارکت
۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	سطح معنادار
۰/۲۰۸	۱	ضریب همبستگی کجروی
۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	سطح معنادار

طبق جدول فوق نتیجه مشارکت اجتماعی زنان در محیط مردان باعث کاهش کجروی اجتماعی زنان بدست آمد، بنابراین فرضیه سوم تأیید شد.

جدول ۵. میانگین، انحراف معیار... میان دو متغیر مشارکت اجتماعی زنان در محیط مردان و نوع شغل

شغل	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار	۹۵٪ ضریب اطمینان بازه برای میانگین		ماکزیمم	مینیمم
					حد پائین	حد بالا		
خدماتی	۲۰	۸/۲۰۰۰	۲/۳۹۷۳۷	۰/۵۳۶۰۷	۷/۰۷۸۰	۹/۳۲۲۰	۶/۰۰	۱۳/۰۰
فنی حرفه‌ای	۵۱	۹/۴۱۱۸	۲/۱۶۴۹۶	۰/۳۰۳۱۶	۸/۸۰۲۹	۱۰/۰۲۰۷	۶/۰۰	۱۵/۰۰
فروشنده‌گی	۵۹	۹/۱۰۱۷	۲/۱۷۹۰۱	۰/۲۸۳۶۸	۸/۵۲۳۸	۹/۶۶۹۵	۳/۰۰	۱۳/۰۰
اداری	۵۸	۹/۱۵۵۲	۲/۰۲۴۴۳	۰/۲۶۵۸۲	۸/۶۲۲۹	۹/۶۸۷۵	۶/۰۰	۱۴/۰۰
مدیریت	۱۲	۸/۳۳۳۳	۱/۱۵۴۷۰	۰/۳۳۳۳۳	۷/۵۹۹۷	۹/۰۶۷۰	۷/۰۰	۱۰/۰۰

فرضیه چهارم: بین مشارکت اجتماعی زنان در محیط مردان و نوع شغل آن‌ها تفاوت وجود دارد.

جدول ۶. تفاوت میان مشارکت اجتماعی زنان در محیط مردانه با نوع شغل

مجموع اسکورها	دیفرانسیل	میانگین اسکور	F	سطح معنادار
۲۸/۰۶۷	۴	۷/۰۱۷	۱/۵۷۸	۰/۱۸۲
۸۶۷/۲۱۳	۱۹۵	۴/۴۴۷		
۸۹۵/۲۸۰	۱۹۹			

طبق جدول ۶، میان مشارکت اجتماعی زنان در محیط مردان بر حسب نوع شغل آنان تفاوت وجود ندارد. بنابراین فرضیه چهارم تأیید نشد.

فرضیه پنجم: بین مشارکت اجتماعی زنان در محیط مردان و فرهنگ و تربیت خانوادگی زنان رابطه وجود دارد.

جدول ۷. رابطه میان مشارکت اجتماعی و امید به پیشرفت در زنان

مشارکت اجتماعی	فرهنگ خانواده	
۱	۰/۲۰۸	ضریب همبستگی پیرسون مشارکت
۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	سطح معنادار
۰/۲۹۴	۱	ضریب همبستگی فرهنگ خانواده
۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	سطح معنادار

با توجه به جدول ۷، بین مشارکت اجتماعی زنان در محیط مردان و فرهنگ خانواده و تربیت آن‌ها رابطه وجود دارد. بنابراین فرضیه پنجم تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت اجتماعی از مهمترین ارکان لازم در جامعه‌ای توسعه یافته می‌باشد که تنها از طریق تربیت و پرورش نیروی انسانی و در دسترس بودن لوازم آن حاصل می‌شود. زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه و نیز به عنوان تربیت کننده نیمه دیگر جامعه (جامعه تشکیل شده است از زنان و فرزندان‌شان) از مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه‌های توسعه اجتماعی هستند. جامعه باید در مسیر فراهم کردن ملزومات پرورش نیروی انسانی حرکت کند. هدف از این تحقیق بررسی حضور زنان در محیط‌های کاری مردان و بررسی میزان مشارکت اجتماعی زنان می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیر احساس تعلق اجتماعی در زنان، متغیر امید به پیشرفت در زنان، متغیر گرایش به کجروی در زنان، متغیر فرهنگ و تربیت خانوادگی در آن‌ها با متغیر مشارکت اجتماعی زنان در محیط مردان ارتباط معنی‌دار وجود دارد و بین متغیر نوع شغل زنان و متغیر مشارکت اجتماعی زنان تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. در میان تحقیقات انجام گرفته در ایران، پژوهشی مشابه یافت نشد، تا بتوان نتایج به دست آمده در این تحقیق را با آن‌ها مقایسه کرد. بنابراین، هر نوع مقایسه می‌تواند قیاس مع الفارق تلقی شود. به رغم این که در ارتباط با سه بعد این تحقیق، احساس تعلق اجتماعی، امید به پیشرفت و گرایش به کجروی، پژوهشی که متغیرهای مشابه را در نظر گرفته باشد، یافت نشد، لیکن در ارتباط با ابعاد دیگر نتایج به دست آمده در این پژوهش با پژوهش‌های زیر همخوانی دارند. جلیلوند (۱۳۷۵)، احمدی و گروسی (۱۳۸۳)، شهریاری (۱۳۷۷)، سفیری و جعفرنژاد (۱۳۸۲)، مقدم (۲۰۱۰) نیز نقش تحصیلات را در حضور و قدرت زنان موثر ارزیابی می‌کنند. در ارتباط با تربیت خانوادگی نیکجو (۱۳۷۹)، لقمانیان (۱۳۷۷)، شادی‌طلب (۱۳۷۵) و گیماهه و همکاران (۲۰۱۱) معتقدند که تربیت خانوادگی در حضور و قدرت زنان موثر هستند. ابونوری و غلامی (۱۳۸۸)، بهنود (۱۳۸۲)، عنایت (۱۳۶۷) و بوگاله و همکاران (۲۰۱۱) و کپیوت و فرازل (۲۰۱۲) اشتغال را در حضور و قدرت زنان مؤثر می‌دانند.

جامعه ایران نه فقط یکی از جوامع اسلامی است، بلکه در ایران نظام حکومت اسلامی مستقر است. این به آن معناست که در ایران احکام و قوانین شرعی جاری است. علما و فقها در ایران در باره فعالیت‌های عمومی زنان بیرون از خانه نگران هستند. بسیاری از آنها با هرگونه فعالیت شغلی زنان بیرون از خانه مخالفت می‌کنند. البته هستند علمایی که در صورت رعایت اصول شرعی مخالفتی با فعالیت زنان بیرون از خانه ندارند. مسئله فعالیت شغلی زنان در محیط مردان همواره یکی از دغدغه‌های علمای مسلمان و دولت جمهوری اسلامی از سه دهه پیش بوده است، لیکن تاکنون برنامه عملی و جامع در این باره تنظیم نشده است.

این پژوهش نشان داد که فعالیت‌های زنان در محیط مردان نقش چندان مهمی در آنچه بی‌عقابی نامیده می‌شود ندارد. سیاست‌های دولت مبنی بر تلاش برای جدایی جنسیتی محیط کار نیز به دلایل عملی از موفقیت زیادی برخوردار نبوده است. به علاوه، پیامدهای سیاست جداسازی جنسیتی چندان روشن نیست. این مطالعه نشان داد که فعالیت زنان در محیط مردان ارتباط معناداری با کجروی زنان ندارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آزاد، ارمکی تقی. (1380) مدرنیته ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران، تهران، انتشارات دفتر مطالعاتی-انتشارات اجتماعی.
- ابونوری، اسماعیل و غلامی، نجمه». (1388) تجزیه و تحلیل متوسط جبران خدمات زنان در مقایسه با مردان در بخش صنعت ایران»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره 39، ص 53 تا 72.
- اتحادیه، منصوره». (1378) بیداری زنان: تاریخچه مشارکت زنان در نهضت مشروطیت»، مجموعه مقالات اولین سمینار مشارکت اجتماعی زنان (تهران، مرکز فرهنگی و پژوهشی.
- احمدی، حبیب و گروسی، سعیده». (1383) بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی»، مجله مطالعات زنان، شماره 2، صص. 5-22
- بهنود، مهسان». (1382) مسائل اشتغال و کارآفرینی زنان در ایران»، مجموعه مقالات تعاون، زن و اشتغال، تهران، انتشارات وزارت تعاون.
- جلیلوند، شیرین». (1375) بررسی و مقایسه نگرش مادران و دختران نسبت به ارزش‌های اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی.
- روزن‌باوم، هایدی. خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه محمد صادق مهدوی (1376)، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ریتزر، جرج. بنیان جامعه‌شناختی: خاستگاه‌های ایده‌های اساسی در جامعه‌شناسی، ترجمه تقی آزاد ارمکی (1374)، تهران، انتشارات نشر سیمرغ.
- سفیری، خدیجه و جعفرنژاد، احمد». (1382) بررسی عوامل درون سازمانی بر ارزیابی از وضعیت شغلی زنان (بخش غیر دولتی)»، (مطالعات زنان، 123 تا 150.
- شادی‌طلب، ژاله»، (1375) اشتغال زنان در فرآیند توسعه»، تعاون، دوره جدید، شماره 60، از 44 تا - 49 از 118 تا - 118 از 130 تا 130.
- شهریاری، پرویز. (1377) بررسی نگرش مردان به اشتغال زنان مورد مطالعه شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- عنایت، حلیمه. (1367) بررسی تأثیر اشتغال زنان بر روابط خانوادگی در شهر شیراز، دانشگاه شیراز، پایان‌نامه فوق لیسانس، شیراز.
- گاردنر، ویلیام. جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی (1386)، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- لقمانیان، زهرا. (1377) بررسی جامعه‌شناختی تصویر زن در فرهنگ ایرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.

نیکجو، محمدرضا. (1379). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر نگرش دختران نسبت به نقش اجتماعی خود در کرج.

- Bogale B.; Wondafrash M.; Tilahun T.; Girma E. (2011). "Married women's decision making power on modern contraceptive use in urban and rural southern Ethiopia", BMC Public Health, 11.
- Kiptot, E.; Franzel, S. (2012). "Gender and agroforestry in Africa: a review of women's participation, Agroforestry Systems", Volume 84, Issue 1, pp 35-58
- Moghadam, V.M. (2010). "Gender, Politics, and Women's Empowerment", Handbook of Politics, pp 279-303.
- Gyimah, S.O.; Adjei, J.K.; Takyi, B.K. (2011). "Religion, Contraception, and Method Choice of Married Women in Ghana", Journal of Religion and Health.

